

بخش کوچکی از شکنجه های روا داشته صدام؛

آزاده ای که قریب به ۹ سال در زندان های حزب بحث عراق بود

غلامی آزاده سرافراز لامردی گفت: اذان گفتن و نماز خواندن ممنوع بود و به شدت با مراسمات مذهبی مخالفت می کردند.

به گزارش خبرنگاران گروه فرهنگ، هنر و رسانه گزارش خبر، آزاده لامردی همزمان با سالروز بازگشت آزادگان به وطن از روزهای اسارت می گوید، از ایامی که کلاس های قرآن و نهج البلاغه توسط اسرا برگزار می شد و مراسم های مذهبی که تعطیل بردار نبود.

بیست و ششمین روز از مردادماه یادآور بازگشت سرافرازانه آزادگان به میهن عزیز در سال ۱۳۶۹ و فرصتی برای مرور رشادتهای این غیور مردان است.

سال ۱۳۶۹ سالی پر تلاطم برای ملت ایران بود، روز ۲۶ مرداد سال ۱۳۶۹ بالاخره جمهوری اسلامی ایران با سربلندی توانست رزمندگانی را که مجاهدانه از دین و شرف و کیان و خاک کشور دفاع کرده و در دست دشمن اسیر شده بودند، به وطن بازگرداند.

در این رهگذر، آزاده سرافراز حاج محمد غلامی که قریب به ۹ سال از زندگی خود را در زندانها و سلولهای عراق گذرانده در گفت و گو با محمود صابری زاده خبرنگار خبرگزاری مهر اظهار کرد: به حسب تکلیف و پیروی از فرامین پیرجماران امام راحل، به کسب و کار خود در کشور کویت پشت پا زده و به ایران آمدم. در آن زمان ۲۰ ساله بودم که خودم را برای خدمت مقدس سربازی معرفی کردم و از مرکز پیاده شیراز راهی جبهه های جنگ شدم.

وی گفت: قریب به شش ماه در جاده آبادان-ماهشهر بودم و سپس به پادگان مرکز پیاده شیراز برگشتم و از آنجا به مامویت سقز و گیلانغرب رفتم.

او بیان کرد: گیلانغرب منطقه ای حساس بود که ما جایگزین تیپ ذوالفقار شدیم و در پاتک دشمن در ۱۵ آذر سال ۶۰ به اسارت عراقی ها درآمدیم.

این جانباز ۵۵ درصد لامردی افزود: زمانی که اسیر شدیم با بالگرد ما را به خانقین عراق برده و پس از بازجویی و کتک کاری به مرکز اطلاعات عراق بردند، که پس از ۹ روز به اتاق هایی که بوی تعفن می داد و آب و غذا و امکانات اولیه هم نبود منتقل کردند به گونه ای که ۹۲ نفر از گردان ما که اسیر شده بودیم را در دو اتاق جا دادند.

این آزاده سرافراز تصریح کرد: اکثر آزاده ها زخمی شده بودند و سپس ما را به مدت دو روز به دژبانی عراق که جایی سوله مانند بود منتقل کردند و سپس راهی اردوگاه الانبار شدیم.

این جانباز دفاع مقدس خاطرنشان کرد: پس از شش ماه از اسارت، از صلیب سرخ به اردوگاه آمدند و برایمان کارت صادر کردند، خانواده هایمان هیچ اطلاعی از ما نداشتند، تا اینکه از طریق نامه نگاری خانواده ام را مطلع کردم که در اسارت به سر می برم.

این رزمنده دفاع مقدس با اشاره به سختی هایی که در اسارت متحمل شده، افزود: اذان گفتن و نماز خواندن ممنوع بود و به شدت با مراسمات مذهبی مخالفت می کردند.

وی تصریح کرد: قریب به ۹ سال نیز در زندان موصل بودیم و شرایط زندگی خیلی سخت و جان سوز بود و خیلی سختی ها بر ما گذشت که خیلی از مطالب را نمی توان به زبان آورد.

او به خاطرات حاج آقا ابوترابی و وجود ایشان در بین اسرا اشاره کرد و گفت: حاج آقا ابوترابی کلاس های قرآن و نهج البلاغه و hellip را تدریس می کرد و همه ما اسرا مدیون ایشان هستیم و یک شخصیت معنوی و دوست داشتنی بود.

غلامی تصریح کرد: کلاس های آموزشی به صورت مخفیانه برگزار می شد و هر کسی که فن و حرفه ای را داشت به دیگران آموزش می داد، که بعضی ها حفظ قرآن، و نهج البلاغه را شروع کردند.

وی گفت: حجت الاسلام ابوترابی جو اسارت را طوری ساخته بود که از خانه خود نیز بهتر بود و چنان مورد توجه دوستان بود که به ایشان وابسته بودند و مورد احترام زیاد قرار می گرفت.

حاج محمد غلامی به محمود صابری زاده خبرنگار شهرستان های لامرد و مهر گفت: یک روز نگهبان های عراقی اعلام کردند که امروز صدام سخنرانی مهمی خواهد داشت، آنها حتی صدای بلندگوی داخل محوطه را بیشتر کرده تا پیام صدام پخش شود، رادیوی عراق همراه با مارش نظامی پیام صدام را

مبنی بر تبادل اسرا اعلام کرد، و در اولین اقدام قرار شد تا تبادل اسرا به مرحله اجرا درآید. از این رو بیست و ششم مرداد ماه به عنوان روز تبادل اسرای ایران و عراق از سوی دو کشور انتخاب شد.